

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

فرستنده: الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۱۰ جون ۲۰۱۴

نکاح رهنمود مشورتی برای عقد نکاح ۵

ممانعت از مصارف گزاف در امر ازدواج

همانطوری که ملاحظه فرمودید که ازدواج امر مقدس و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم است ولی در جنب آن از مصارف گزاف در عروسی ممانعت به عمل آمده است.

در کشور عزیز ما افغانستان هستند، بعضی خانواده ها که مخارج زیادی را از پسر برای ازدواج دخترانشان می طلبند، و فراموش می کنند و یا نمی فهمند که خیر و برکت در مخارج کمتر و مهریه کمتر در ازدواج می باشد، و همچنین پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

« من لا یرحم الناس لا یرحمه الله » (متفق علیه)، یعنی: (کسی که به مردم رحم نمیکند خداوند نیز به او رحم نمی کند). پس اینهایی که رحم دلی برای این پسری که تازه می خواهد زندگیش شروع کند ندارند چگونه امید دارند تحت مرحمت خداوند قرار گیرند؟!

بنابراین اشخاصی که در مسائل ازدواج هنگام خواستگار دخترشان بر پسر فشار می آورند و سختگیری می کنند چه بسا که روزی برسد که هنگام خواستگاری پسرشان نیز به همانگونه با آنها رفتار شود.

نکاح در بین دو عید

در بین مردم افغانستان شایع است که نکاح در بین دو عید جواز ندارد و عقد نکاح در بین دو عید را به فال نیک نمی گیرند.

ولی در دین مقدس اسلام، نه تنها نکاح بین دو عید هیچ گونه ممانعت شرعی نداشته بلکه پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بعد از ماه رمضان در ماه شوال بابی بی عایشه (رض) نکاح کرد و در همان ماه زفاف نمود و حتی علماء بدین باور اند که نکاح در ماه شوال مستحب هم می باشد.

شب زفاف

مستحب است که داماد با همسرش در شب زفاف ملاطفت کند مثلاً به او شربت و شیرینی و مانند آن بدهد؛ در حدیث متبرکه از اسماء بنت یزید آمده است: «إني قينت عائشة لرسول الله صلى الله عليه وسلم ثم جئته فدعوته لجلو لها ، فجاء فجلس إلى جنبها ، فأتى بعس لبن ، فشرب ثم ناولها النبي صلى الله عليه وسلم فخضت رأسها واستحيت ، قالت أسماء : فانتهرتها وقالت لها ، خذي من يد النبي صلى الله عليه وسلم قالت : فأخذت فشربت شيئاً» (عائشه را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم مزین کردم ، سپس نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتم ، و او را برای دخول بر عائشه دعوت کردم ، آمد و کنار نشست ، سپس ظرفی بزرگ از شیر آورده شد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن خورد و به عائشه داد ، عائشه سرش را پائین انداخت و شرم کرد اسماء گوید : بر سر او داد زدم و گفتم ظرف شیر را از دست پیامبر صلی الله علیه وسلم بگیر .

اسماء گوید : عائشه شیر را گرفت و کمی از آن را نوشید» (از کتاب آداب الزفاف علامه البانی الحمید: (۳۶۷ / ۱۷۹ / ۱) ، احمد فتح الباری ۴ / ۴۳۸ / ۴۵۸ و ۴۵۳ و ۴۵۲).

یکی دیگر از سنت های زفاف این است که داماد دستش را روی پیشانی همسرش قرار دهد و بسم الله بگوید و از خدا طلب برکت کند و دعای زیر را که در حدیث آمده است ، قرائت کند «اللهم إني أسألك من خيرها وخير ما جلبتها عليه ، وأعوذ بك من شرها وشر ما جلبتها عليه»

(یعنی: پروردگارا ! خیر او و خیر آنچه در او آفریده ای را از تو می خواهم و به تو از شر او و شر آنچه در او آفریده ای پناه می برم).

همچنان سنت است دو رکعت نماز نفل به هم بخوانند. همچنان سنت است که در هنگام آمیزش بگوید: «بسم الله اللهم جنبنا الشيطان وجنب الشيطان ما رزقنا» (به نام الله ، پروردگارا! شیطان را از ما و از آنچه به ما عطا می کنی دور بگردان)

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«فإن قضی بينهما ولد لن يضره الشيطان ابداً» اگر طفل از آن دو متولد شود ، شیطان هرگز به او ضرر نمی رساند (صحیح امام بخاری : ۵۱۶۵ / ۲۲۸ / ۶۹) ، (صحیح امام مسلم : ۱۴۳۴ / ۱۰۵۸ / ۲) ، (سنن ابوداود (عون المعبود : ۲۱۴۷ / ۱۹۷ / ۶) ، (سنن الترمذی ۱۰۹۸ / ۲۷۷ / ۲) ، سنن ابن ماجه : ۱۹۱۹ / ۶۱۸ / ۱) .

ولیمه

بعد از بردن همسر به خانه ، دادن ولیمه لازم است ، در حدیث متبرکه آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم عبد الرحمن بن عوف را به آن امر فرموده است .

همچنان در حدیث بریده بن حصیب آمده است : «لما خطب علي فاطمة رضي الله عنها قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إنه لا بد للعرس من ولیمة» (وقتی که علی از فاطمه رضی الله عنها خواستگاری کرد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: برای عروس ولیمه لازم است . (صحیح جامع الصغیر : ۲۴۱۹) ، (أحمد فتح الباری : ۱۷۵ / ۲۰۵ / ۱۶).

ولیمه سه روز بعد از بردن همسر به خانه باید داده شود : چون این کار از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است ، از انس روایت است : «تزوج النبي صلى الله عليه وسلم صفية ، وجعل عتقها صداقها ، وجعل الوليمه ثلاثة أيام» (پیامبر صلی الله علیه وسلم صفیه را به ازدواج خود در آورد و مهریه او را آزادی اش ، تعیین نمود ، و ولیمه را بعد از سه روز داد.» (آداب الزفاف فتح الباری ۷۴) (صحیح بخاری) (۱۵۵۹ / ۲۲۴ / ۹).

تعدد زوجات و موضع دین مقدس اسلام

در بدو کلام می‌خواهم خدمت خوانندگان با تمام قوت تذکر دهم که اساساً تعدد زوجات از جانب دین مقدس اسلام وضع نگردیده است، بلکه تعدد زوجات در اکثر شرایع و قوانین قبل از آمدن دین مقدس اسلام وجود داشته و به نحوی از انحاء هنوز هم در کشور های اسلامی به خصوص در کشور ما افغانستان وجود دارد. عرب قبل از اسلام بیش از هر ملت دیگری زنهای متعددی را در نکاح خود داشتند، دین مقدس اسلام آمد و حد وسط را در این مورد انتخاب کرد و برای تعدد زوجات حد و مرز مشخص را تعیین کرد و اجازه نداد که از این حد تجاوز صورت گیرد و شرایط و مقرراتی را برای تعدد زوجات در نظر گرفت که با رعایت این شرایط زنهای ناشی از تعدد زوجات از بین خواهند رفت.

چنانچه گفته آمدیم که دین مقدس اسلام تعدد زوجات را مباح نموده و آن را واجب و بر آن امر نکرده است، بلکه فرموده است: (هر کس امکان و شرایط لازم را داشته باشد اگر مایل باشد با رعایت اعتدال می‌تواند تا چهار زن بگیرد، اما واجب نیست که حتماً چهار زن را داشته باشد) ممنوعیت ازدواج با بیش از چهار زن بر اساس این فرموده خداوند متعال میباشد: «فانکحو ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتم ألا تعدلوا فواحدة» (سوره نساء: ۳) (زنهایی را که برای شما حلال و دلتان آنها را می‌خواهد و پسند می‌کند از يك تا چهار به نکاح و ازدواج خود در آورید و نباید بیش از چهار زن در نکاح داشته باشید، و این امر وقتی است که بتواند در بین آنان عدالت و مساوات در حقوق شرعی رعایت کنید، وقتی بیم آن داشتید که قادر به رعایت عدالت در بین چند همسر نمی‌باشید، باید به يك زن اکتفاء کنید).

پیامبر صلی الله علیه وسلم به غیلان بن سلمه که در زمان اسلام آوردنش ده زن داشت فرمود: «أمسك أربعاً وفارق سائرهن» چهار زن را برای خود نگه دار و بقیه را رها کن (صحیح جامع الصغیر: ۱۵۸۹)، (سنن الترمذی: ۲/۲۹۵/۱۱۳۸)، سنن ابن ماجه (۱/۶۲۸/۱۹۵۳).

از قیس بن حارث روایت است: وقتی که اسلام آوردم هشت زن داشتم: نزد پیامبر صلی اله علیه وسلم رفتم جریان را برایش تعریف کردم، فرمود: «إختر منهن أربعاً» (چهار زن را از بین آنها برای خود اختیار کن) (صحیح سنن ابن ماجه: ۱۵۸۸)، (سنن ابن ماجه ۱/۶۲۸/۱۹۵۲)، (سنن ابو داوود (عود المعبود: ۶/۳۲۷/۲۲۴)

برخی از دلایل علمی مباح بودن تعدد زوجات :

در مورد دلایل علمی برای جایز بودن تعدد زوجات می‌توان فقط و فقط به این نقطه اکتفاء کرد که این امر به خصوصیات و طبیعت و سرشت انسان بر می‌گردد، و این مسأله از فطرت بشری انسان سر چشمه گرفته و می‌توان گفت که خصوصیات سرشتی و طبیعت انسانی تعدد زوجات را اقتضاء می‌نماید.

همچنان اگر آمار و سرشماریهای ملت های مختلف جهان را حتی در شرایط صلح مورد نظر قرار دهیم به وضاحت تام در خواهیم یافت که تعداد زنان بیشتر از تعداد مردان است. و اگر این مسأله از لحاظ علمی و منطقی حل نمی‌گردید، شراره فساد به اوج خود می‌رسید.

همچنان عامل دیگر تعدد زوجات مبتلا شدن زن به امراض شدید و صعب العلاج (عقیم و نازا) است و همچنان برخی از اوقات غریزه جنسی در زن به خاموشی می‌گراید و یا به عکس مرد دارای غریزه جنسی شدید واحد تری است و نمی‌تواند با يك زن عفت خود را محفوظ نگاه دارد، و یا گاهی عادت ماهانه زن طولانی است و به ده روز در هر ماه می‌رسد اگر در چنین شرایط و اوضاع اجتماعی به مرد اجازه تعدد زوجات داده نشود، آن مرد ناچار است یا دچار کار های نامشروع شود یا زنش را طلاق دهد و تردید نیست

که طلاق در چنین اوضاع و احوالی به مراتب برای زن مضر تر و زیان آورتر از این است ، که زن دیگری شریک زندگیش شود .

زن و شوهر لباس همدیگر اند :

« هن لباس لکم و انتم لباس لهن »

(آنها یعنی زنان لباس شما هستند ، و شما لباس آنها)

(سورة البقره : ۱۸۷)

اگر به مفهوم و حکمت بزرگ این آیت متبرکه با دقت تام توجه نمائیم در خواهیم یافت که قرآن با چه اعجاز و چه زیبایی زن و مرد را به لباس مشابهت داده و مفاهیم آتی را برای ما می آموزاند.

۱- علماء می گویند که لباس باید با اندازه و برازنده انسان باشد ، این بدین معنی است که لباس انسان اگر تنگ باشد ، یا از اندازه جان انسان کلان باشد ، یا لباسش کوتاه و یا به تناسب اندمش دراز باشد در همه این موارد در ظاهر دارائی لباس خواهد بود ، ولی این لباس در هیچ صورت راحت لازم را که برای آن لباس به تن کرده ، نخواهد داشت. مفهوم قرآن عظیم الشان در فهم کلمه زن و شوهر که به لباس در آیت متبرکه تشبیه گردیده است ، همین است : زن و شوهر هم باید اندازه و برازنده یک دیگر باشند ، اگر زن و شوهر با هم هماهنگی عقیدتی ، هماهنگی فکری ، هماهنگی فرهنگی ، اجتماعی ، و حتی هماهنگی مادی نداشته باشند ، با هم نمی توانند آنطوری که که باید و شاید باشد زندگی آرام و خوشبخت داشته باشد .

۲- انسان با داشتن لباس آرام و مطابق ذوقش هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی احساس آرامش می کند ، به همین اساس انسان با داشتن شوهر مناسب ، و یا زن مناسب موجب آرامش جسم و جان يك دیگر می گردند.

۳- همانطوری که لباس بدن انسان را می پوشاند ، و عیب های ظاهری انسان را پنهان می کند ، داشتن زن خوب و یا شوهر خوب ، مانند لباس عیب های همدیگر را می پوشاند ، و به محرم راز همدیگر مبدل می گرداند.

۴- لباس برای انسان مایه زینت و آراستگی است ، زن و شوهر هم برای همدیگر مایه زیبایی و آراستگی اند.

۵- لباس با بدن انسان ارتباط نزدیک و تنگ تنگ دارد ، زن و شوهر نیز باید ارتباطشان با يك دیگر چنین باشد.

۶- همانطوری که لباس بدن انسان را از گرما و سردی و خنک حفظ می کند ، زن و شوهر نیز باید همدیگر رادر مقابل گرم و سردی زندگی حفظ نمایند.

۷- لباس اگر چرك شد ، شسته می شود و اگر پاره شد ، دوخته می شود ، و بلافاصله دور انداخته نمی شود ، زن و شوهر هم اگر در حق همدیگر مرتکب خطا می گردند ، بلافاصله نباید از هم دیگر فصل و باب جدائی را بنا نهند ، بلکه با رشته پند و اندرز ، با تفکر و تعمق با عفو و بخشش از خطای يك دیگر بگذرند و خطای يك دیگر را با آب بخشش ، شست و شو نمایند.

۸- برای انسان آسان و ساده نیست تمام عمر خود را بدون لباس سپری کند ، (گرچه ممکن است) همینطور آسان نیست انسان تمام عمر را بدون زن و شوهر سپری کند.

۹- لباس عورت است و اماکن ناشایست انسان را از دید دیگران حفظ می کند ، زن و مرد نیز با اقدام به ازدواج ، خود را از ارتکاب فحشاء و کار های ناشایست حفظ کند.

هدایات اسلام در باره ازدواج

الف : چه زنانی برای ازدوج بهتر هستند :

دین و هدایات اسلامی می فرماید: کسانی که می خواهند ازدواج کنند ، تلاش بخرچ دهند زنی را انتخاب نمایند که دارای صفات ذیل باشد .

۱- شرط اول دینداری:

در حدیث مبارك ابوهریره از پیامبر اسلام روایت میفرماید :

« تتكح المرأة لاربعة: لمالها ، لحسبها ، ولجمالها ، ولدینها ، فافطر بذات الدین تربت یداك »

زن به خاطر چهار چیز برای ازدواج انتخاب می شود:

۱- بخاطر مال و دارانش ، ۲- به خاطر نسب و طایفه اش که همان اصل و نسب است ، ۳- به خاطر جمال زیبایی و ظرافتش ، ۴- بخاطر دین و عفتش، زن با دین و عفت انتخاب کن که به مقصود خود و به سعادت دنیا و آخرت خواهی رسید. (حدیث متفق علیه :

(فتح الباری (۵۰۹۰-۹۱۳۲) ، صحیح مسلم (۱۴۶۶-۱۰۸۶-۲) ، سنن ابوداود (۲۰۳۲-۴۲-۶) ، سنن ابن ماجه (۱۸۵۸-۵۹۷-۱) مصنف ابن ابی شیبہ : (۶۸-۶)

۲- شرط دوم دوشیزه (بکر):

شرط دوم ازدواج را که دین اسلام به آن هدایت فرموده است : دوشیزه بودن (بکر) بودن زن است : مگر این که انتخاب بیوه مصلحتی را دارا باشد : در حدیث متبرکه جابر بن عبد الله از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می فرماید :

« تزوجت امرأة فی عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم ، فلفیت النبی (ص) فقال یا جابر ، تزوجت ؟ قلت : نعم ، قال : بکر إم ثیب ؟ قلت : ثیب ، قال : فهلا بکرا تلاعبها ؟ قلت یا رسول الله إن لی إخوان ، فخشیت أن تدخل بینی و بینهن ، قال فذاك إذن ، إن المرأة تتکح علی دینها ، و مالها و جمالها ، فعلیک بذات الدین تربت یداک » (در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم با زنی ازدواج کردم ، پس از آن با پیامبر صلی الله علیه وسلم ملاقات کردم ، فرمود ای جابر ، آیا ازدواج کرده ای ، گفتم : بله ، فرمود : دوشیزه است یا بیوه ؟ گفتم بیوه ، فرمود چرا با دختری ازدواج نکردی تا با او بازی کنی ، گفتم ای رسول خدا ! من چند خواهر دارم و بیم داشتم که (اگر دوشیزه باشد باسن کم خود) بین من و آنان جدائی بیندازد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: پس اینطور . ! زن به خاطر دین، مال و زیبایی اش برای ازدواج انتخاب می شود ، پس دیندار را انتخاب کن ، دست هایت خاک آلود شود » و (متفق علیه) صحیح مسلم (۷۱۵-۱۰۸۷-۲) ، در صحیح مسلم (۵۰۷۹-۱۲۱-۹) ، سنن ابو داود (۲۰۳۳-۴۳-۶) سنن الترمذی (۱۱۰۶-۲۲۸۰-۲)

۳- شرط سوم محبت گرا و بچه زا باشد :

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید : « تزوجوا الودود الولود فإنی مکماثر بکم الأم » با زنان محبت گرا و بچه زا ازدواج کنید چون من در میان امت ها به کثرت شما افتخار می کنم. (صحیح جامع صغیر ۲۹۴۰) ، الارواء ۱۷۸۴ () ، سنن ابو داود (۲۰۳۵-۴۷-۶) ، (سنن نسائی) (۶۵-۶) .

ب : چه مردانی برای ازواج بهتر است :

همانطوری که مرد حق دارد زنی را انتخاب کند که دارای صفات مذکور باشد ، بر ولی زن نیز واجب است که مردی صالح را برای ازدواج او انتخاب نماید به دلیل حدیث ابو حاتم مزنی :

« إذا جاءكم من ترضون دينه وخلقه فأنكحو ، إلا تفعلوا تكن فتنة في الارض وفساد كبير » (هر گاه کسی) برای خواستگاری (نزد شما آمد که از دین و اخلاقش راضی بودید) دخترتان را) به ازدواج او در آورید ؛ چون اگر این کار را نکنید ، در زمین فتنه و فساد بزرگی روی خواهد داد .
 (صحیح سنن الترمذی (۸۶۶) سنن ترمذی (۲۷۴-۱۰۹۱)
 فرق نمی کند ازدواج با دختر یا خواهرش را به اهل خبر پیشنهاد کند ؛ به دلیل حدیث ابن عمر .
 سیرت نویسان می نویسند :

« وقتی که خنیس بن حذافه سهمی همسر حفصه بنت عمر ، یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه فوت کرد و حفصه بیوه ماند عمر بن خطاب گفت : نزد عثمان بن عفان رفتم و پیشنهاد ازدواج حفصه را به او دادم ، عثمان گفت در باره آن فکر می کنم ، چند شب منتظر ماندم سپس مرا دید و گفت : به این نتیجه رسیدم که فعلاً ازدواج نکنم ، عمر گفت : ابوبکر صدیق را دیدم به او گفتم اگر بخواهی حفصه بنت عمر را به ازدواج تو در می آورم . ابوبکر ساکت شد و هیچ جوابی به من نداد ، از ابوبکر بیشتر عصبانی شدم تا از عثمان ، چند شبی منتظر ماندم تا این که پیامبر صلی الله علیه وسلم از او خواستگاری کرد ، پس حفصه را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم در آوردم . بعد از آن ابوبکر مرا دید و گفت : شاید به خاطر رد پیشنهاد ازدواج با حفصه از من عصبانی شده ای ؟ عمر گفت : بله ، ابوبکر گفت : به این دلیل پیشنهاد ازدواج شما را رد کردم چون می دانستم پیامبر صلی الله علیه وسلم (در باره او) حفصه سخن گفته است و من نخواستم راز پیامبر صلی الله علیه وسلم را فاش کنم اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم از او صرف نظر کرد ، من آن را قبول می کردم » .
 (صحیح سنن نسائی (۳۰۴۷) ، صحیح امام بخار (فتح الباری) (۵۱۲۲-۹-۱۷۵) سنن نسائی (۶-۷۷)

وصیت امام احمد بن حنبل برای پسرش در روز عروسی وی

یابنی :

إِنَّكَ لَنْ تَنَالَ السَّعَادَةَ فِي بَيْتِكَ إِلَّا بِعَشْرِ خِصَالٍ تَمْنَحُهَا لَزَوْجِكَ فَاحْفَظْهَا عَنِّي وَاحْرَصْ عَلَيْهَا:

ای پسر کم:

البته توهین وقت در خانه ات به سعادت و پیروزی نایل نمی شوی مگر به رعایت ده خصلت که به زوجه (زن) ات می بخشی. این خصلت ها را حفظ کن حرص و تلاش بورز به آن .

أما الأولى والثانية :

فإنَّ النِّسَاءَ يَحِبُّنَ الدَّلَالَ وَيَحِبُّنَ التَّصْرِيحَ بِالْحُبِّ ، فَلَا تَبْخُلْ عَلَى زَوْجَتِكَ بِذَلِكَ ، فَإِنْ بَخِلْتَ جَعَلْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا حِجَابًا مِنَ الْجَفْوَةِ وَنَقْصًا فِي الْمَوَدَّةِ .

اول و دوم :

البته زن پیام آوران نکاح و اظهار محبت شوهر را دوست دارد ، بر بخشش این دو بخل مکن ، اگر بخل کردی در میان خودت و وی حجاب ازبی وفائی و نقصان از دوستی را ایجاد کرده ای .

وأما الثالثة :

فإنَّ النِّسَاءَ يَكْرَهُنَّ الرَّجُلَ الشَّدِيدَ الْحَازِمَ وَيُسْتَخْدِمْنَ الرَّجُلَ الضَّعِيفَ اللَّيِّنَ فَاجْعَلْ لِكُلِّ صِفَةٍ مَكَانَهَا فَإِنَّهُ أَدْعَى لِلْحُبِّ وَأَجْلِبَ لِلطَّمَأْنِينَةِ .

سوم:

البته زنان مرد سخت گیر و خشن را بد می پندارند به مردان ضعیف و نرم خوی خدمت می نمایند، برای هر کدام از آن صفات، جایگاهی اورا بساز، البته این عمل زیاد جذب کننده محبت و جالب برای اطمینان قلب می باشد.

وَأما الرابعة :

فإنَّ النساءَ يحببن من الزوج ما يحب الزوج منهنَّ من طيب الكلام وحسن المنظر ونظافة الثياب وطيب الرائحة فكن في كل أحوالك كذلك.

چهارم:

البته زنان از شوهران خود چیزی را دوست دارند و می خواهند که، شوهران از زنان نیز می خواهند و دوست دارند. مثلاً زیبایی، حسن سخن، نظافت و پاکی لباس، خوش بوئی و در همه احوال مواصفات فوق را رعایت کن.

أما الخامسة:

فإنَّ البيتَ مملكة الأنثى وفيه تشعر أنَّها متربعة على عرشها وأنها سيدة فيه، فأياك أن تهدم هذه المملكة التي تعيشها، وإياك أن تحاول أن تزيجها عن عرشها هذا، فإنَّك إن فعلت نازعتها ملكها، وليس لملكٍ أشدَّ عداوةً ممن ينازع ملكه وإن أظهر له غير ذلك.

پنجم:

البته خانه ملک زنان است، چنین می پندارند که در تخت مملکت خود چهارزانو نشسته اند، البته ایشان رئیس مملکت اند، می ترسانم و منع می کنم تورا از این که منهدم بسازی جایگاهی را که ایشان در آن زندگی می نمایند، از زایل کردن عرش وی خود داری بکن. اگر اقدام به زوال ملک آن کردی البته به آن منازعت و جنگ و جدل کرده ای، هیچ منازعتی از دید دشمنی سخت تر از منازعت ملک نیست.

أما السادسة:

فإنَّ المرأةَ تحب أن تكسب زوجها ولا تخسر أهلها، فأياك أن تجعل نفسك مع أهلها في ميزان واحد، فأما أنت وإما أهلها، فهي وإن اختارتك على أهلها فإنَّها ستبقى في كمدٍ تُنقل غدواه إلى حياتك اليومية.

ششم :

زن دوست دارد که شوهر کسب و کار کند تا اهلش به فقر و ذلت مواجه نگردد. من می ترسانم تو را از این که خود را با سایر اعضای فامیل در یک پله ترازو مساویانه تول کنی، یعنی جایگاه شوهر در کسب و کار درآمد اقتصادی و سایر امور زندگی نسبت به دیگران بیشتر بوده باشد، در صورتی که تو با همه اهلت در تأثیرات امور زندگی مساوی بوده باشی با وجود زن تو را بالای همه اهل خانواده خود ترجیح داده و حیات خود را با تو سپری نمود. در این صورت زن را به مشقت و تکلیف افکنده ای، تا روزی که زنده است به تو عداوت خواهد کرد.

والسابعة :

إنَّ المرأةَ خُلقت من ضلعٍ أعوج وهذا سرُّ الجمال فيها، وسرُّ الجذب إليها وليس هذا عيباً فيها «فالحاجب زينه العوج»، فلا تحمل عليها إن هي أخطأت حملاً لا هوادة فيها تحاول تقييم المعوج فتكسرهما وكسرهما طلاقها، ولا تتركها إن هي أخطأت حتى يزداد اعوجاجها وتتوقع على نفسها فلا تلين لك بعد ذلك ولا تسمع إليك، ولكن كن دائما معها بين بين.

هفتم :

البته زن از قیرغه کج آفریده شده است، این اسرار زیبایی و کششی که در او نهفته است، این کجی براو عیب محسوب نمی گردد، چنانچه زیبایی ابرو در کج بودن آن نهفته است، اگر زن درکارمحوه اش خطا کرد، وی را به خاطر راست کردن بر مشقت و فشار مجبور نساز، اگر چنین کردی وی را شکستی، شکست وی طلاق است.

زن را به خاطر اشتباهش از خود دور نساز و ترک مکن، اگر چنین کردی در کجی هایش افزودی ، وی بر نفس خود اتکاء می کند، با تو نرمی نمی کند، سخنانت را گوش نمی نماید، راه اعتدال را در حق آن اختیار کن.

أما الثامنة :

فإنَّ النساءَ جُبلنَ على كُفر العشير وُجُحُدان المعروف، فإن أحسنت لإحداهنَّ دهرًا ثم أسأت إليها مرة قالت: ما وجدت منك خيرًا قط، فلا يحملنَّك هذا الخلق على أن تكرهها وتتفر منها، فإنَّك إن كرهت منها هذا الخلق رضيت منها غيره.

هشتم:

البته در سرشت خلقت زن کفران و ناسپاسی شوهر خمیر مایه شده است، این صفت آشکار است، اگر با یکی اینها زمان متمادی نیکی نمائی ، با اندک خطا و کمبودی که از تو دید می گوید، من هرگز از تو نیکی ندیده ام. این صفت زن تو را وادار بر این نسازد که وی را به چشم اهانت و نفرت بنگری، زیرا این خصلت تو را خفه سازد، صفت دیگرش تو را خوش خواهد ساخت.

أما التاسعة:

فإنَّ المرأةَ تمر بحالات من الضعف الجسدي والتعب النفسي، حتى إنَّ الله سبحانه وتعالى أسقط عنها مجموعة من الفرائض التي افترضها في هذه الحالات فقد أسقط عنها الصلاة نهائيا في هذه الحالات وأنسا لها الصيام خلالهما حتى تعود صحتها ويعتدل مزاجها، فكن معها في هذه الأحوال ربانيا كماخفف الله سبحانه وتعالى عنها فرائضه أن تخفف عنها طلباتك وأوامرك.

نهم :

البته زن روزگار حیات خود را به ضعف جسمی و تکالیف نفسی سپری می نماید، چنانچه پروردگار عالم ، در حین مواجه شدن زن بر چنین تکالیف، مجموعه ای از فرایض و واجباتی را که بروی لازم گردانده است ، ساقط می سازد، مثلاً نماز و روزه را از وی ساقط می نماید تا وقتی که بر صحت خود برگردد. تو نیز زن را در چنین حالات معذور بدار قسمی که پروردگارش معذور داشته است.

أما العاشرة :

فاعلم أن المرأة أسيرة عندك، فارحم أسرها وتجاوز عن ضعفها تكن لك خير متاع وخير شريك

دهم :

بدان زن نزد تو شباهت اسیر را دارد، بر اسیر خود رحم کن از ناتوانی هایش در گذر اگر چنین کردی زن بزرگترین سرمایه و بهترین شریک زندگی ات خواهد بود.

ادامه دارد